

تبیین مؤلفه های تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

مریم برهنمن* / احمد سلحشوری**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۰

چکیده

هدف این پژوهش تبیین مؤلفه های تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) است. روش از حیث هدف، کاربردی و از لحاظ رویکرد، کیفی می باشد. در جمع آوری داده ها از روش تحلیل محتوای کیفی (قیاسی-استقرایی) استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش، کتب نهج البلاغه و غررالحکم که به صورت هدفمند نمونه گیری شد. روش گردآوری داده ها روش اسنادی و ابزار آن فیش برداری بود. در روش تحلیل داده ها پس از مطالعه روایات، مقوله های اصلی مرتبط با تربیت معنوی دسته بندی و براساس کدگذاری اولیه، کدهای مشابه زیر هر مقوله، ایجاد و در مراحل بعد، این مقوله ها با هم مقایسه و براساس مقوله های کلی یک مقوله اصلی تکمیل گردید. براساس یافته های پژوهش مؤلفه های تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بر چهار مؤلفه صبر، یقین، عدل و جهاد و هرکدام بر چهار خرده مؤلفه استوار است. صبر حالتی فعال دارد که در محورهای ملاک، نوع، هدف، ابزار و راهبرد دسته بندی گردید. یقین، از بین برنده شک، فعالیتی تلاش گرایانه، نور و روشنایی، تکیه گاه معنویت و اساس بردباری می باشد. عدل شامل احقاق حقوق، اصلاح امور، اجرای حدود، انصاف، تقوا، رسیدگی به مردم، مبارزه با ستم و مساوات می شود. جهاد به معنای قلبی، زبانی، عملی، درمیدان نبرد و در عرصه های مختلف، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بیان شده است. از

*. استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)
m.brahman@yahoo.com

** .دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی
ah.salahshoor@gmail.com

منظر امام مؤلفه ها و خرده مؤلفه های تربیت معنوی در پرتو نگاه توحیدی تبیین می شوند.

واژگان کلیدی

تربیت معنوی، مؤلفه‌ها، امام علی (علیه السلام).

۱. مقدمه

جهان کنونی با پیشرفتهای سرسام آور فنی و صنعتی خود، انسان امروزی را در برابر مشکلات بغرنجی قرار داده است و موفقیت‌های پی در پی علمی و فنی این احساس را بوجود آورده که بی نیاز از بعد معنوی باشد. اگر تربیت رو کردن آزادانه به سمت ارزشهایی که زمینه تکامل انسان را فراهم می‌کند، در نظر گرفته شود، با همه پیشرفتهایی که در زمینه علم و فناوری صورت گرفته، تغییر اساسی در تکامل انسان ها رخ نداده است و حتی این پیشرفت ها، باعث تنزل آنها شده و از آنها افرادی ساخته که از ارزشها رو گردانند (نقیب زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۴).

از رنسانس به بعد، با ظهور افرادی مانند دکارت، بیکن، گالیله، نیوتن و غیره، جهان با نگاهی مکانیکی و ماشینی، فاقد شعور فرض شد. با این نگرش، نقش خداوند در حد یک ماشین تنزل داده شده. قوانین حاکم بر حرکت یک ماشین، جایگزین قوانین الهی و عقل بشری جایگزین اراده ی الهی گردید. در پی سیطره ی قوانین ریاضی و حاکمیت کمیت، مفاهیم متافیزیکی جای خود را به مفاهیم و نگرش مادی دادند (نصر، ۱۳۸۶، ۱۶۹). به این ترتیب درک مفاهیم دینی و معنوی و در نتیجه باور به امر مقدس کمرنگ تر شد تا حدی که تنها معرفت واقعی، بعد معرفت تجربی و کمی دانسته شد (گنون، ۱۳۸۴: ۸۷) و بعد معنوی فروگذار گردید.

بعد معنوی انسان، از مهم ترین ابعاد وجودی است که توانایی بیشترین قدرت نفوذ در اعمال و رفتار را دارد. این قدرت به صورت بالقوه و نهفته بوده، آموزش می تواند بخش هایی از آن را بالفعل نماید. با معنویت غیر دینی، از راه کنترل و تهذیب نفس و کم کردن نقش محسوسات تا حدی به قدرت های روح، که پایین ترین مرحله ی تربیت معنوی دینی (حداکثر به عالم ملکوت) است می توان رسید. اما کامل ترین شیوه دسترسی به تمام فعلیت های قدرت روحی و معنوی، مراجعه به دین است. چنانچه افراد بر اساس راهکارهای دین عمل کنند، می توانند به کمال فعلیت قدرت های روح و عوالم دیگر مانند عالم جبروت و عالم اسماء الهی برسند.



بیان مسئله

معنویت^۱ یکی از نیازهای درونی انسان است که متضمن بالاترین سطح زمینه‌های رشد شناختی - اخلاقی، معنا بخشیدن و پاسخ به چراهای زندگی است. به اعتقاد الکینز و همکاران^۲ (۱۹۹۸)، معنویت به معنای نقش زندگی یا روشی برای بودن و تجربه کردن است که با آگاهی یافتن از یک بعد غیر مادی به وجود می‌آید. در این نگاه معنویت دارای ساختاری چند وجهی شامل وجه روحانی یا فرامادی، معنا و هدف، تقدس زندگی، اهمیت‌ندادن به ارزش‌های مادی، نوع دوستی و آگاهی می‌شود. دُر^۳ (۱۹۸۴) معنویت را حاصل یک احساس بی نظیر در هماهنگی با یک هدف متعالی و منحصر به فرد می‌داند. جانز (۲۰۰۵) معنویت را به معنای تعالی، کل‌گرایی، ارتباط و همدردی می‌داند. به اعتقاد تسی^۴ (۲۰۰۳) معنویت حس والایی است که شور و شوق و گرایش انسان برای عدالت خواهی و انصاف را افزایش می‌دهد و هم‌نوایی و پیوستگی با خود و جهان آفرینش پدید می‌آورد. معنویت، به افراد، احساس نیک بودن، آگاهی درونی، تجربه ذهنی مقدس، تعالی فرد به سوی ظرفیت والا، وحدانیت و یافتن معنایی برای موجودیت القا می‌کند. هود^۵ (۲۰۰۳) معنویت را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و امیدهایی می‌داند که با هستی برتر به ویژه با تجاربی از زندگی که فرد را به سمت متعالی بودن سوق می‌دهد، ارتباط می‌یابد. از منظر ایمونز^۱ (۲۰۰۰) معنویت دارای قابلیت‌هایی است که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل پیردازند و به اهدافشان دسترسی پیدا کنند. وی در این زمینه گاردنر را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که باید جنبه‌هایی از معنویت را که مربوط به تجربه‌های پدیدارشناختی مثل تجربه تقدس یا حالات متعالی است را از جنبه‌های عقلانی، حل مسأله و پردازش اطلاعات جدا کرد. امرام^۶ (۲۰۰۵) تربیت معنوی را به عنوان تحقق ظرفیت‌ها و منابع معنوی در موقعیت عملی در نظر می‌گیرد. معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس، معنا و هشیاری به اوج می‌رسد. (ایمونز، ۱۹۹۹). مک‌گیور^۸ (۲۰۰۱)

- 1 . Spirituality
- 2 . Elkins
- 3 .Dorr.D
- 4 . Tacy.R
- 5 . Hood.R
- 6 . Emmons
- 7 . Amram
- 8 . MacGyver

تربیت معنوی را توانایی عمل همراه با آگاهی و ترجم می‌داند، به طوری که افراد سلامت و آرامش درونی و بیرونی را صرف نظر از شرایط حفظ کنند. از دیدگاه زوهر و مارشال^۱ (۲۰۰۰) تربیت معنوی موجب می‌شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی، بینشی عمیق بیابد و از سختی‌های زندگی نترسد و با صبر و تفکر با آن‌ها مقابله نموده و راه حل‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. امرام (۲۰۰۷) معتقد است که افرادی که در معنویت فرهیخته شده‌اند، قادرند فعالیت‌های زندگی خود را با عمق، غنا و معناداری بیشتری هدایت کنند. به عقیده گین و پورهیت^۲ (۲۰۰۶) تربیت معنوی ویژگی‌ها و خصوصیات را در افراد پرورش می‌دهد که زمینه دستیابی به دانش و فهم بیشتر، امکان رسیدن به کمال و ترقی، ظرفیت فهم عمیق سوالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه آگاهی و بصیرت را فراهم می‌کند (ساندر^۳، ۲۰۱۸).

بنابراین تربیت معنوی در واژه‌هایی مانند جهت‌یابی، انگیزش، پاسخگو بودن به جهان همراه با حیرت، گشودگی، خردمندی، امیدواری، باورمندی، حقیقت، بخشندگی، عشق، آرامش، جذب، خودآگاهی^۴، خودتعالی، خودکنترلی^۵، خودمحافظتی، انعطاف‌پذیر بودن در موقعیت‌های سخت، وجود فضائل، اهداف خودتعالی، خود‌پذیرشی^۶، اعتماد به نفس^۷، بیان خود و استعدادهای درونی^۸، باور به مقدس بودن زندگی، اعتقاد به هستی والا، آگاهی از سطوح چندگانه، ارتقاء خود به یک کل بزرگتر، تعهد نسبت به ارزشهای غیر مادی می‌تواند تجلی بیابد (سلحشوری، ۱۳۹۲ : ۲۹). به طور کلی، تربیت معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که علاوه بر انعطاف‌پذیری در رفتار، سبب خودآگاهی و بینش عمیق فرد نسبت به زندگی و هدفدار نمودن آن می‌شود؛ به گونه‌ای که اهداف، فراتر از دنیای مادی ترسیم می‌شوند و همین فرایند موجب سازگاری فرد با محیط و باعث رشد توانایی شناخت اصول زندگی می‌شود

-
1. Zohar & Marshal
 2. Gain & Purohit.
 3. Saunders, SM
 4. self-awareness
 5. Self-Control
 6. self-acceptance
 7. self-confidence
 - 8-self-expression

(سانتوس^۱، ۲۰۰۶). هند تربیت معنوی را براساس سه رویکرد کلی عادت، عقلانیت و شهود تقسیم می‌کند. (هند^۲، ۲۰۱۷). رویکرد این پژوهش با رویکرد عقلانی و شهودی است. براین اساس تربیت معنوی کوششی و سیر و سلوکی درونی است. بنابراین فرایندی پویا، مداوم، مرتبط به هم، با اشتیاق و میلی فطری برای رسیدن به شرایط انسانی کامل است. لذا چنانچه تربیت اخلاقی نخستین پلکان تربیت باشد، تربیت معنوی هدف غایی آن محسوب می‌شود. (سلحشوری، ۱۳۹۰: ۴۹)

در کلام امام علی (علیه السلام) انسان معنوی دارای حد والای خود شناسی و خود رقابتی مداوم است. بر این اساس، ویژگی‌های همچون اندیشیدن به تعالی خود، آگاهی به نقاط ضعف و تلاش برای جبران، حس مسوولیت پذیری، خود مراقبتی مستمر، نگاه نقادانه به خویشتن، خود کنترلی، تفکر آفاقی و انفسی، آگاهی از هدف، فراتر از خود رفتن، آرامش داشتن، صداقت، فضیلت محور، دانشمند بردبار، نیکوکار با تقوا، بیم و امید، واقع نگری، قدر شناسی، حق محوری استنباط می‌گردد. (نهج البلاغه/خطبه/۱۸۴)

چنانچه تربیت معنوی را بتوان به دو شاخه تربیت معنوی دینی و غیر دینی تقسیم نمود، به نظر می‌رسد پژوهش‌های انجام شده بیشتر بر مبانی تربیت معنوی غیر دینی بنا نهاده شده است (وست و هواست^۳) با وجود اینکه این که در تربیت معنوی غیر دینی به روابط انسان با خود، دیگری و طبیعت پرداخته می‌شود، اما اساسی ترین رابطه که رابطه توحید محوری است مغفول واقع شده است. سنگ بنای توحید، ولایت محوری بر پایه ایمان است. لذا در این پژوهش ایمان بعنوان اساسی ترین مؤلفه تربیت معنوی در نظر گرفته شده است. بهترین تجلی گاه تربیت معنوی بر پایه ایمان در کلام الهی و معصومین (علیهم السلام) جلوه گر شده است. از بهترین منابع در زمینه تربیت معنوی، آموزه های امام علی (علیه السلام) در کتب نهج البلاغه و غررالحکم می باشد. کلام ایشان با امتیازات فصاحت و بلاغت و چندجانبه بودن همراه است (مطهری، ۱۳۹۴، ۷) و لذا فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق می باشد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴). این پژوهش درصدد است تا با بررسی منابع فوق به تحلیل و تبیین مؤلفه ها و خرده مؤلفه های تربیت معنوی بپردازد.

پیشینه تحقیق

ایمونز (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان تبیین مؤلفه های تربیت معنوی، مؤلفه های ظرفیت تعالی،

1 . Santos

2 . Hand .M

3 . West-B, J. and Huws-Jones .V.

گذشتن از دنیای جسمانی و مادی و متعالی کردن آن، آگاهی، توانایی پیرایش عمل، حوادث و روابط زندگی روزانه همراه با احساس تقدس، توانایی استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل و توانایی رفتار فضیلت مند را پیشنهاد کرد. زوهر و مارشال^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان تبیین ویژگی‌های افراد معنوی و طراحی مدل تربیت معنوی نشان داد که تربیت معنوی شامل خودآگاهی، انعطاف پذیر بودن، ظرفیت روبرویی با درد و متعالی نمودن آن، پرسش از چرایی مسائل و جستجوی پاسخ‌های اساسی، تاکید بر ارزشها و کل نگری می‌شود. بر این اساس شش مؤلفه خدمت، پرورش، دانش، تغییر شخصی، برادری و اخوت، رهبری خدمتگذار ارائه گردیده است. فریدمن و مک دونالد^۲ (۱۹۹۹) مؤلفه‌های تربیت معنوی را تمرکز داشتن بر معنای نهان، توجه به سطوح چندگانه آگاهی و رشد آنها، اعتقاد به مقدس بودن زندگی، فراتر رفتن از خود^۳ می‌دانند. از منظر بلنگسترتین و هانسون^۴ (۲۰۰۸) مؤلفه‌های تربیت معنوی، قصدمندی، توجه، یکپارچگی، حق شناسی، کل گرایی، گشودگی و صداقت می‌باشد. سیندی ویگلزورث^۵ (۲۰۰۴) چهار مؤلفه اساسی خودآگاهی برتر، آگاهی فراگیر، خود والای و پیشگاه معنوی را مطرح می‌کند که هر کدام دارای زیر مؤلفه‌های هستند؛ خودآگاهی برتر (آگاهی از مشاهده جهان خود، آگاهی از هدف زندگی، آگاهی از سلسله مراتب ارزش‌ها، پیچیدگی تحرک درونی، آگاهی از فراخود) آگاهی فراگیر (شامل آگاهی از بهم پیوستن زندگی، جهان بینی دیگران، وسعت نظر ادراک زمان، آگاهی از محدودیت‌ها، آگاهی از قوانین معنوی، تجارت یگانگی ماوراء خودوالایتر) تعهد نسبت به رشد معنوی، حفظ خود در مسولیت، پایداری در اعتقادات، راهنمایی خواستن از معنویت) پیشگاه معنوی (عرف و معلم، مربی معنوی، غمخوار و همدل، آرامش حضور، هم تراز بودن). امرام^۶ (۲۰۰۹) با استفاده از تئوری داده بنیاد و از طریق کدگذاری، هفت مؤلفه تربیت معنوی شامل هشیاری، متانت، معناداری، تعالی، صداقت تسلیم شدن (تن در دادن) صلح آمیز به خود و هدایت درونی را استخراج نمود.

کینگ^۷ (۲۰۰۸) تربیت معنوی را شامل چهار مؤلفه اساسی تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و توسعه حالت هشیاری می‌داند؛ در مؤلفه تفکر انتقادی وجودی به زیر مؤلفه‌های ماهیت وجودی (واقعیت، جهان، فضا، زمان، تأمل، وجود متافیزیکی)؛ و نیز ظرفیت اندیشیدن به مسائل غیر وجودی در رابطه با وجود خود، توانایی برای اندیشیدن نقادانه راجع به موضوعاتی مانند

1. Zohar, D., & Marshall
2. Friedman & Mc Donald
3. Transcence of self

معناداری، هدف، وجود فراتر از وجود، توانایی برای رویارویی با استنتاج‌ها یا فلسفه‌های اصیل وجود، توانایی برای اندیشیدن راجع به موضوعات غیر وجودی از یک دیدگاه وجودی. مؤلفه تولید معنای شخصی، شامل زیر مؤلفه‌های توانایی استخراج معنی شخصی، هدفمندی تجربیات فیزیکی و روانی، تولید معنای زندگی است. مؤلفه آگاهی متعالی، زیر مؤلفه‌های ظرفیت شناسایی ابعاد متعالی خود، دیگران و جهان را شامل می‌شود. مؤلفه توسعه حالت هشیاری نیز شامل زیر مؤلفه‌ی توانایی ورود و خروج به سطوح بالاتری از آگاهی می‌باشد.

با دقت در مفاهیم معنویت و تربیت معنوی مشخص می‌گردد که در تعاریف یادشده، معنویت، بدون دین مطرح بوده و از منظر فلسفه، در معنویت بدون دین، نیاز انسان به هر نیرویی مافوق اراده‌ی فردی نفی می‌شود. (ملکی، ۱۳۹۶، ۲۲)

اهداف و ضرورت‌های پژوهش

یکی از مفاهیم عمده مربوط به حوزه دین و معنویت، تربیت معنوی است. تربیت معنوی تحقق ظرفیت‌ها و منابع معنوی در موقعیت عملی است. تربیت معنوی به افراد کمک می‌کند تا واقعیتها را از توهم^۱ تشخیص دهند. (کار^۲، ۲۰۰۲) با تربیت معنوی این امکان فراهم می‌شود تا موقعیت فعلی تغییر کرده و موقعیت بهتری خلق شود، در نتیجه نه تنها این تربیت به یک موقعیت خاص محدود نمی‌شود بلکه شرایط را کنترل و هدایت می‌کند (بلنگستین و هانسون^۳، ۲۰۰۸). تربیت معنوی، موقعیتهایی را فراهم می‌آورد تا افراد شرایط لازم برای درک عمیق سوالات غایی وجودی و بینش درباره سطوح متفاوت آگاهی از رابطه با وجود متعالی، دیگران، جهان و همه‌ی موجودات را کسب کنند. (واگان^۴، ۲۰۰۳). بعد معنوی انسان، از مهم‌ترین ابعاد وجودی اوست که بیشترین قدرت نفوذ در اعمال وی را دارد (یوب^۵، ۲۰۱۸). از آنجا که این قدرت به صورت بالقوه است لذا از راه آموزش می‌توان بخش‌هایی از آن را بالفعل نمود. این پژوهش که براساس کلام معصوم، به تبیین تربیت معنوی پرداخته است می‌تواند راهکارهایی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت برای معلمان، دانش‌آموزان و موسسات تربیتی داشته باشد.

- 1 . Illusion
- 2 . Carr.D
- 3 . Blankstein,A. and Houston.p
- 4 . Vaughan
- 5 .Yob.j

روش

روش این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از لحاظ رویکرد، کیفی است. در جمع آوری داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی (قیاسی-استقرایی) استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کتب گران سنگ نهج البلاغه و غررالحکم امام علی (علیه السلام) بوده که به صورت هدفمند نمونه‌گیری شد. روش گردآوری داده‌ها روش اسنادی و ابزار آن فیش برداری بوده است. پس از مطالعه روایات این امام بزرگوار مقوله‌های اصلی مرتبط با تربیت معنوی مشخص در قالب مضامین و مقوله‌های مختلف دسته‌بندی شد و برای سازماندهی مفاهیم براساس کدگذاری اولیه، کدهای مشابه زیر هر مقوله، ایجاد شد و در مراحل بعد، این مقوله‌ها با هم مقایسه و براساس مقوله‌های کلی یک مقوله اصلی تکمیل شد.

در روش تحلیل داده‌ها، از روش سه مرحله‌ای آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش در دو مسیر قیاس و استقرا استفاده شد. در مرحله آماده‌سازی در هر دو رویکرد قیاسی و استقرایی، واحد تحلیل، مضامینی بود که گاه در قالب جمله و یا ازتمام متن حدیث، استنباط شده است. در مرحله سازماندهی نیز که با هدف کدگذاری صورت گرفت ابتدا (به صورت قیاسی) براساس کلام امام (علیه السلام) در حکمت ۳۱، مقوله‌های اولیه انتخاب شدند و با بررسی منابع و کتب غررالحکم و نهج البلاغه (به صورت استقرایی) از طریق فرایند کدگذاری، مقوله‌های اولیه استخراج شده از متن، بررسی و بازخوانی شد و به صورت مداوم در داده‌ها غور شد تا مقوله‌های اصلی و فرعی استنباط شود و در نهایت نکات و مضامین بدست آمده دسته‌بندی و با مقوله‌های مشخص شده مقایسه شد. کدهای نوشته شده در متن شماره احادیث مربوط به کتاب غررالحکم می‌باشد. برای اطمینان از پایداری کدگذاری، پژوهشگران بار دیگر تمام متون را مرور و بازخوانی و کدگذاری نمودند که در نتیجه ثبات در کدگذاری مورد تایید قرار گرفت. برای تایید پذیری داده‌ها مؤلفه‌های نهایی به سه نفر متخصص داده‌شد که مورد تایید قرار گرفت. و در مرحله گزارش ۴ مؤلفه اصلی با ۱۶ زیر مؤلفه مورد تایید نهایی قرار گرفت.

۲. یافته‌ها

امام (علیه السلام) در حکمت ۳۱ نهج البلاغه، معنویت را بر چهار پایه بیان می‌کند: صبر، یقین، عدل و جهاد. صبر نیز بر چهار پایه قرار دارد. شوق، هراس، زهد و انتظار. یقین نیز بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، و پیمودن راه درست پیشینیان. عدل نیز بر چهار پایه: فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی بر قرار است. جهاد نیز بر چهار پایه استوار است: امر به معروف، و نهی از منکر،

راستگویی در هر حال، و دشمنی با فاسقان. در این پژوهش براساس این چهار پایه به تحلیل مؤلفه‌های تربیت معنوی پرداخته شده است.

۱-۲. صبر:

اولین مؤلفه که امام (علیه السلام) در بحث معنویت بیان می‌کند مؤلفه صبر است. اگرچه مفهوم صبر نزد عامه، بیشتر به معنای خویشتن داری در برابر مسائل و گرفتاری‌های می‌باشد؛ اما واژه صبر در نگاه اهل بیت (علیهم السلام) و امام (علیه السلام) کاربردی بسیار وسیع‌تری دارد. می‌توان گفت که این واژه جامع تمام ارزش‌های اخلاقی است (۸۴۸۰). صبر در کلام امام (علیه السلام) گاه در مقابل شهوت (۴۸۱۲) و در مسیر اطاعت خداست (۴۹۰۵ و ۴۹۰۱) و گاه در مقام پرهیز از گناهان (۴۸۲۷) و گاه در مقابل مصائب و درد و رنج‌های دنیوی است (۴۸۶۷ و ۴۸۶۸ و ۴۸۱۴) و گاه توشه‌ی پایان عمر و مرگ (۴۸۵۹) به کار برده شده است. صبر برخلاف نگاه اولیه، از منظر امام، صبوری فعال است و نه منفعل، زیرا هم در تعریف صبر و هم در هر چهار زیر مؤلفه آن، حالت برانگیزانندگی و تلاش دیده می‌شود. (شرح غررالحکم، ۱۳۸۴) در کلام امام (علیه السلام) صبر در دو بخش عمده؛ صبر بر ناخوشی‌ها و صبر بر خوشی‌ها (۴۸۱۰) مطرح می‌شود. صبر بر ناخوشی‌ها از برترین صبرهاست (۴۸۲۶). صبر بر مصیبت از برترین موهبت‌های الهی است (۴۷۹۹) که پادشاه را بزرگ (۴۸۰۲) و انسان را به جایگاه‌های والا می‌رساند (۴۸۱۳ و ۴۸۰۴). البته به عقیده ایشان صبر، به مقدار مصیبت فرود می‌آید (۴۷۹۸) و به تحمل مصیبت و فرو خوردن خشم توصیه شده است (۴۸۰۹). و صبر بر خوشی در معنای آنچه طبیعت فرد به آن تمایل دارد؛ که اینگونه صبر در رتبه، برتر از صبر بر ناخوشی‌هاست. به عبارت دیگر نوعی خویشتن داری (۴۸۳۸) و دوری از محرمات الهی است (۴۸۱۳).

صبردر نگاه امام را می‌توان بر چند محور اساسی از جمله ملاک، هدف، ابزار و راهبرد دسته‌بندی نمود؛ صبر به عنوان ملاک (۴۷۷۱)، در زیر مقوله‌هایی همچون پایه معنویت (۴۷۷۶)، ضمانت‌کننده پیروزی (۴۷۸۳) و معیارکنش‌ها (۴۸۵۵) در نظر گرفته شده است. هدف شامل زیرمقوله‌هایی چون برآورده شدن نیازها (۴۸۴۴)، نیل به اهداف واسطه‌ای (۴۸۱۵) و غایت (۴۸۴۵) می‌باشد. محور ابزار نیز زیر مقوله‌هایی هم چون دفع مهلکات (۴۷۷۳)، سپر بلا (۴۷۷۷)، اکتساب یقین و ایمان (۴۷۷۸ و ۴۷۸۱)، استحکام امور (۴۸۰۱) سرآغاز یاری خداوند (۴۷۸۴)، کم کردن و آسان ساختن مصیبت (۴۷۸۰) و (۴۷۷۹)، از بین بردن اندوه (۴۸۲۰)، رو در رو شدن با حوادث ناگوار (۴۷۷۵)، برترین ساز و برگ (۴۷۹۰)، پناه در بلاهای ناگهانی (۴۸۴۲)، موثرترین عامل دفع بلا (۴۷۸۵)، جلوگیری از زیان (۴۷۸۷) و قوی‌ترین

جامه (۴۷۹۱) را در بر می‌گیرد. راهبرد شامل زیر مقوله های حمایتی (۴۸۶۹)، خودمراقبتی (۴۸۳۸)، مثبت اندیشی (۴۸۴۶)، حفظ تعادل (۴۸۴۱)، عمل به ضد (۴۸۴۰) و شیوه آزادگان (۴۸۳۶)، بزرگواران (۴۸۳۷)، را در بر می‌گیرد. در نگاه امام (علیه السلام) صبر اساس و ستون ایمان، ملاک و اساس کاره، مسیر موفقیت و پیروزی، آغاز عبادت، زیور دین، قلعه ای محکم، بهترین لشکر مومن، جانشین و جبران کننده مصیبت در نظر گرفته شده است. امام در نهایت نتایج و پیامدهای صبر را در عباراتی هم چون سرانجام شیرین و عاقبت فرخنده (۴۸۲۱)، ارجمندی نفس (۳۹۸۵)، رفعت و بلندی (۴۷۷۲)، سبک شدن رنج و محنت (۴۸۴۳)، تسلط بر امور (۴۸۷۵)، توانایی (۴۸۷۶)، پیروزی (۴۸۴۶)، به دست آوردن فرصت‌ها (۴۸۹۳)، محو و نابود کننده تلخی‌ها (۴۸۵۷)، دفع بی ادبی‌ها (۴۸۸۶) بیان می‌کند، که همه این ویژگی‌های یک انسان معنوی است. امام در مؤلفه صبر چهار زیرمؤلفه شوق، شفق، زهد و انتظار را به عنوان زیرمؤلفه های تربیت معنوی بیان می‌کند:

شوق: اولین زیرمؤلفه ای که امام برای صبر بیان می‌کند، شوق به ثواب‌ها، لذت‌ها و کمالات اخروی است. اشتیاق به چیزی، از یقین داشتن به آن امر ناشی می‌شود. برای تربیت معنوی، اشتیاق داشتن یکی از مهم ترین مؤلفه هاست. فرد مشتاق، بسیاری از سختی‌ها را بر خود هموار می‌کند (۴۶۴۶). تا آن حد که دنیا و هر آنچه در آن است در نظر او فراموش شده است (۴۶۴۵) و به سبک انسان‌های اهل یقین (۴۶۴۴) و معنا (۴۶۴۷) زندگی می‌کند.

شفق: یکی دیگر از زیر مؤلفه های تربیت معنوی در مؤلفه صبر، شفق است. شفق به معنای نوعی توجه همراه با نگرانی است. اشتیاق عاملی برای انجام دادن خوبی‌ها و شفق عاملی بازدارنده از بدیها می‌باشد. ترس از خداوندونگاه و توجه عالمانه همراه با نگرانی نتایجی هم چون امنیت (۲۵۶۶)، پشت گرمی (۲۵۶۷)، دوری از ضرر (۲۶۰۹)، عدم ترس از دیگران (۳۶۱۳)، روی برگرداندن از بدی‌ها (۲۵۸۱)، ستم نکردن به دیگران (۲۶۱۷) و آرامش (۲۵۹۰)، اقدام بر اساس بیم وامید (۲۵۹۳)، میانه روی در امید و ترس (۴۴۵۳) را برای تربیت معنوی به دنبال خواهد داشت. این گونه نگاه، زمینه اشتیاق برای تربیت معنوی را فراهم می‌کند.

زهد: زیر مؤلفه دیگری که امام علی (علیه السلام) در تربیت معنوی در مؤلفه صبر بر آن تاکید دارد، زهد می‌باشد. زهد به معنای عدم دلبستگی به دنیا و کوتاه کردن آرزوها (۳۸۰۰) و اخلاص (۳۸۰۵) در کار می‌باشد. در کلام امام (علیه السلام) شناخت دنیا و نواقص آن، زوال دنیا، کوتاهی زندگی و خیر اندک آن از مقدمات و موجبات زهد (۳۸۶۷) است. اگر انسان به همه نعمت‌های دنیا به عنوان امانت الهی نگاه کند، پس

گرفتن آن برای او راحت است. از دستاوردهای این مؤلفه، آسایش (۳۷۹۲)، نزول رحمت (۳۸۱۰)، سعادت (۳۸۲۱)، دوراندیشی (۳۸۱۶)، حکمت و فرزاندگی (۳۸۳۲)، آزادی (۳۸۶۱)، آسان گرفتن مصیبتها (۳۸۵۱)، حفظ دین (۳۸۵۴)، نیازمند نشدن (۳۸۵۳)، به دست آوردن علم و دانش (۳۸۴۶)، سخاوت و گذشت (۳۸۳۷) است. در کلام امام (علیه السلام) برای زهد حدودی دو سویه در نظر گرفته شده که یک سوی آن افسوس نخوردن بر گذشته و سوی دیگر شادمان نشدن از آینده خواهد بود (۳۲۷۵).

نگاه مستمر و مداوم به آینده: امام (علیه السلام) زیر مؤلفه چهارم صبر را «ترقب» می نامند. مقصود از ترقب داشتن نگاه مستمر و مداوم به آینده است که موجب می شود فرد انتظار واقعیاتی را بکشد که قرار است در آینده اتفاق بیافتد و این حالت در فرد حالات امید و انگیزه بیشتری برای حرکت به سوی آینده ایجاد می کند. یکی از نقاط عطف حتمی آینده برای هر فرد مرگ است که در وقوع آن شکی نیست (۳۸۲۶) و این توجه به مرگ می تواند باعث رشد و تقویت تربیت معنوی و خودآگاهی در افراد شود. امام (علیه السلام) دور اندیشی و ملاقات با مرگ را از عوامل شتاب در کارهای خیر می داند (۴۳۷۲) و همچنین علاوه بر آنکه موجب استفاده بهینه از لحظه به لحظه زندگی می شود؛ موجبات تسریع در کارهای شایسته را نیز فراهم می آورد (۹۳۹۶). پس یکی از ویژگی های انسان معنوی آینده نگری می باشد، آینده نگری زمینه های رشد را برای افراد فراهم می آورد و باعث نوعی شوق و برانگیختگی می شود (۷۹۷).

۲-۲. یقین:

یکی دیگر از مؤلفه های تربیت معنوی یقین است. یقین به معنای علمی عمیق است که همراه با آرامش و طمأنینه قلبی نسبت به معلوم باشد. علامه طباطبایی یقین را به معنی قوت ادراک ذهنی می داند، به طوری که قابل زوال و ضعف نباشد و در آن شک و شبهه راه نیابد. (طباطبائی، ۱۳۶۳) یقین در کلام امام (علیه السلام) با تعابیری از جمله نور و روشنایی (۱۰۸۲۷)، رام کننده دل (۱۰۸۵۲)، فعالیت تلاش گرایانه (۱۰۸۷۲)، عامل نجات (۱۰۸۶۹)، قوت و نیرومندی دین (۱۰۸۶۰)، تقویت ایمان (۱۰۸۶۱)، امیدواری (۱۰۸۷۸)، عدم پیمان شکنی (۱۰۸۸۰)، برترین زهد (۱۰۸۲۹)، ستون و تکیه گاه معنویت، اساس دین (۱۰۸۳۰)، ریشه ی زهد و سبب اخلاص بیان شده است. فردی که از یقین برخوردار باشد از ویژگی هایی برخوردار است که در هنگام بلا، شکیبا و در هنگام فراخی نعمت، سپاسگزار است (۱۰۸۵۵). برای یقین مصادیقی هم چون عبادتی نیکو (۱۰۸۷۴)، برترین ویژگی معنویت (۱۰۸۴۴)، ملاک ایمان (۱۰۸۸۱)، ریشه و اساس صبر و بردباری (۱۰۸۴۲)، مایه امیدواری (۱۰۸۷۰)، اصل و ریشه زهد (۱۰۸۴۳)، به بار نشستن میوه ی زهد (۱۰۸۳۳)، قوت و نیرومندی (۱۰۸۶۵)، رستگاری (۱۰۸۶۸)،

نجات (۱۰۸۶۹)، عبادت خوب (۱۰۸۷۴) بیان می‌شود. یقین از بین برنده شک (۱۰۸۷۵) و (۱۰۸۳۲) است و در نقطه مقابل کسی که دلش یقین ندارد، عمل و کردارش از او فرمانبرداری نمی‌کند (۱۰۸۷۷).
امام علیه السلام از چهار زیرمؤلفه اصلی تربیت معنوی در مؤلفه یقین نام می‌برد و می‌فرماید:

وَالْيَقِينُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى تَبَصُّرَةِ الْفِطْنَةِ، وَتَأْوِيلِ الْحِكْمَةِ، وَمَوْعِظَةِ الْعِبَرَةِ، وَسُنَّةِ الْأَوْلِيَيْنِ،

یقین چهار زیرمؤلفه دارد: بینش و بصیرت، درک حقایق، پند مایه‌ها و استفاده از سنت‌های گذشتگان (صالح). پس هر که در هوشمندی به بینش درست دست یابد حکمت بر او آشکار می‌شود و هر که حکمت بر او آشکار شود پند مایه‌ها را می‌شناسد و هر که پند مایه‌ها را بشناسد چنان است که گویی با گذشتگان زندگی کرده است.

بینش و بصیرت: یکی از زیرمؤلفه‌های تربیت معنوی در مؤلفه یقین، بینش و بصیرت است. کسی که دارای بصیرت باشد، ویژگی‌های هم‌چون بینایی، بینش و روشن‌بینی و بیداری و آگاهی و زیرکی را می‌تواند کسب کند. در کلام امام علیه السلام فقدان بصیرت و بینایی به منزله نداشتن دانش است (۹۳۹۷). بینش لازمه‌ی زیرکی و زیرکی لازمه فهمیدن درست است (۷۸۷۹) و فهم درست نقش مهمی در تربیت معنوی دارد. براساس دیدگاه امام علیه السلام کسی که اهل بصیرت نباشد دیده او هم سودی ندارد (۹۳۸۴) زیرا بصیرت نداشتن، بدتر از نایبایی ظاهری است (۳۹۳۵) و هر که در زیرکی بی‌ناگردد، فرزاندگی و حکمت برای او پا برجا گردد و پند و عبرت را بشناسد (۷۸۸۲)

درک حقایق: یکی دیگر از زیرمؤلفه‌های یقین، درک حقائق است. یکی از عوامل مهم در تربیت معنوی درک حقایق است. افرادی که به درک حقایق می‌رسند، تفسیر و تحلیلی که ناشی از حکمت و اصول صحیح عقلانی است، را کسب می‌کنند. فردی که به درک حقایق می‌رسد به حکمت و خردمندی رسیده است. در نگاه امام حکمت، به بوستان خردمندان و گردشگاه افراد دانا و هشیار (۲۰۶۰) و نگاهبان و نگهدارنده (۲۰۵۶) تشبیه شده است. کسی که شوق و رغبت به حکمت داشته باشد، نفس خویش را شریف و ارجمند (۲۰۹۰) می‌داند. امام علیه السلام در این زمینه، ترک لذات را آغاز حکمت و بیزاری جستن از آنچه نابود شدنی است رابه عنوان غایت آن معرفی می‌کند. هر چه حکمت و فرزاندگی در انسان نیرومند شود، شهوت و خواهش‌های نفسانی ضعیف و ناتوان می‌گردد (۲۰۶۷). اساس حکمت و فرزاندگی ملازمت با حق است (۲۰۷۶) حدّ و مرز حکمت نیز روگرداندن از دنیای فانی و شیفته شدن به سرای جاودانی است (۲۰۷۳). انسان معنوی، انسان اهل حکمت است. حکمت با پاکدامنی، همراه گشته

است (۲۰۸۵). دل، چشمه حکمت، گوش، محل ورود (۲۰۶۳) و زبان جایگاه میوه و ثمر آن است (۲۰۶۴). انسانی که اهل حکمت گشت ویژگی‌های هم چون علم و دانایی (۲۰۶۱)، راهنمایی انسان به راه راست (۲۰۵۵)، نگاهبان انسان (از انحراف و زشتی‌ها) (۲۰۵۶)، توانگری (۲۰۸۲) رستگاری، (۲۰۷۰)، عبرت و پندآموزی (۲۰۹۵)، کامیابی و لذت (۲۰۸۹) را کسب می‌کند.

پند مایه‌ها: سومین زیرمؤلفه تربیت معنوی در مؤلفه یقین، پند مایه‌ها ست. افرادی که به معنویت رسیده اند اهل موعظه و پندگرفتن از دیگران هستند. در نگاه امام (علیه السلام) موعظه گاه پسان هدیه ای نیکو و خیر خواهانه است (۱۰۲۸۹) که باعث درخشندگی و پاکیزگی درون انسان می‌شود (۱۰۲۷۸) و گاه همانند پناهگاهی است برای کسی که آنها را به یاد بسپارد، توصیف شده است. (۱۰۲۵۷) از این رو، کسی که مخاطب خود را اندرز دهد به وی احسان کرده است (۱۰۲۸۶) و انسان معنوی کسی است که از حال دیگران پند گیرد. (۱۰۲۶۰) در هر پند گرفتنی بینایی وجود دارد (۵۹۶۸). در نگاه امام (علیه السلام) بینا کسی است که بشنود و اندیشه و تفکر کند، بنگرد و از عبرتها سود ببرد (۵۹۶۶). پند نگرفتن از اوضاع نشان عدم اندیشه و ورزی و تفکر است. (۵۹۹۱) به اعتقاد ایشان عبرتها بسیار است اما پند گرفتن از آنها اندک است (۵۹۹۸). به اعتقاد امام (علیه السلام) برای انسان اهل بصیرت در هر چیزی اندرزی است (۱۰۲۸۴)

تدبر و اندیشیدن، بصیرت جویی (۵۹۶۳)، توجه به مثالها (۵۹۷۸) و زبان عمل (۱۰۲۶۹) را می‌توان از بهترین روشهای عبرت آموزی دانست. براساس دیدگاه امام (علیه السلام) کسی که به اوج تربیت معنوی رسیده باشد دارای ویژگی‌های هم چون؛ کم شدن طمع‌ها (۵۹۹۷)، قناعت پیشگی و سازگاری (۵۹۵۵)، آگاه شدن بر مصادیق اعتبار (۵۹۹۶)، استفاده از تجربیات زندگی گذشتگان (۵۹۵۸)، اعتماد نکردن به شرایط مسالمت آمیز روزگار (۱۰۲۸۸)، قدرت شناخت (۵۹۸۹)، قرار گرفتن در مسیر صحیح (۵۹۵۲) باز ایستادن از نادرستی‌ها (۵۹۵۴)، پرهیز از آزار دیگران (۵۹۸۶)، لغزش کم (۵۹۸۵) را به دنبال دارد و این آثار در انسان معنوی تبلور دارد و در صورت عدم به کارگیری عبرت آموزی عواقبی هم چون: کارگر نشدن اندررها در فرد (۵۹۹۵)، ادامه دادن در مسیر نادرست و عدم سودمندی (۱۰۲۶۲)، احتیاط نکردن (۵۹۸۸)، کسی که از وضع مردم پند نگیرد خداوند مردم را به او (و وضع او) اندرز دهد (۱۰۲۸۷).

توجه به روش پیشینیان: یکی دیگر از زیر مؤلفه‌های تربیت معنوی در مؤلفه یقین توجه به روش پیشینیان است. یکی از ویژگی‌های افراد معنوی کسب تجربه از پیشینیان است. افرادی که از تاریخ دیگران پند نگیرد و تجربه نیاموزد در برنامه زندگی خود پشتیبانی ندارد. امام (علیه السلام) تاکید دارد که چنان در کار و روش پیشینیان تامل و تفکر می‌کند به حدی که گویا در آن زمان می‌زیسته و اطلاعات اش با آنها

برابر شده و گویی با آنها زندگی کرده و در اثر تعمق در تاریخ آنها روشنی و تیرگی کارشان را شناخته و سود و زیان اعمالشان را تشخیص داده، سپس می‌فرمایند که آن اطلاعات را غربال، آنچه که مفید و آموزنده بود در اختیار تو گذاشتم و تنها مطالب زیبا و دلپذیر وقایع را برای تو برگزیدم و ذهنت را از فضایی مجهول و بی‌فایده که اثر علمی و عملی ندارد بر کنار داشتیم. (نهج البلاغه/نامه / ۳۱). بنابراین امام علیه السلام یکی از زیرمؤلفه های تربیت معنوی را کسب تجارب گذشتگان می‌داند و کسانی که موفق به دریافت این تجربه شوند، میتوانند افرادی پخته و معنوی شوند. آن گاه امام علیه السلام می‌فرماید:

فَمَنْ تَخَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَكَيْدَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ، وَمَنْ تَكَيْدَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ عَرَفَ الْعِبْرَةَ، وَمَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَأَنَّكَانَ فِي الْأَوَّلِينَ. (نهج البلاغه/حکمت / ۳۱)

کسی که بینش در زیرکی داشته باشد حکمت و دقایق امور برایش روشن می‌شود و کسی که حکمت و دقایق امور برایش روشن شد، حوادث پندآور را می‌شناسد و کسی که حوادث پند آور را شناخت گویا با پیشینیان بوده است و از کار آنها عبرت می‌گیرد.

۳-۲. عدل:

براساس دیدگاه امام علی علیه السلام یکی دیگر از مؤلفه های اساسی تربیت معنوی عدل می‌باشد. عدل به معنای دادگر بودن، انصاف داشتن، تعدیل کردن، تنظیم کردن، تغییر دادن، عوض کردن، اصلاح کردن، تغییر یافتن، جرح و تعدیل کردن، دگرگون کردن، ترمیم کردن، تغییر دادن، راست کردن، درست کردن و مرتب کردن است و در اصطلاح، نهادن هر چیزی به جای خود، حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی (معین، ۱۳۸۶)، به تساوی تقسیم کردن (معلوف، ۱۳۸۴) است. عدالت یکی از برترین چیزی های است که خداوند به وسیله آن بر بندگان خود ممت نهاده است (۶۹۱۱). در نظر امام علی علیه السلام عدالت قرار دادن هر امری در موضعش است. براین اساس احقاق حقوق، اصلاح امور، اجرای حدود، انصاف، تقوا، میزان، رسیدگی به مردم، مبارزه با ستم، مساوات و برابری را در همه حوزه ها شامل می‌شود (نهج البلاغه / حکمت / ۴۳۷).

امام عدالت را انصاف (۶۱۱۴)، جان زندگی و احکام (۶۱۱۹) و (۶۱۱۶)، ملاک و قوام کارها (۶۱۱۵)، بهترین حکم ها (۶۱۱۷) و گواهی (۶۱۲۰)، ملاک برترین سیاست ها (۶۱۳۵)، معیار تدبیر (۶۱۹۱)، بی نیازکننده ترین ثروتها (۶۱۲۴) و زیور زمامداران (۶۱۶۲) می‌داند که باعث الفت (۶۱۱۳)، اصلاح جهان (۶۱۲۱)، قوام و اساس زندگی مردم (۶۱۲۷)، نظم دهنده جامعه (۶۱۵۷)، اصلاح رعیت (۶۱۳۰)، زیاد شدن برکت (۶۱۵۲)، مغلوب شدن دشمن (۶۱۵۴) برمی‌شمرد. از منظر

ایشان. برترین عدل، بازگرداندن حقوق از دست رفته مردم (۶۱۹۴)، و نهایت عدالت، رفتار عادلانه با خویشتن است (۶۱۷۰) براساس کلام امام (علیه السلام) پابرجا بودن (۶۱۸۱)، نافذ بودن حکم (۶۱۸۲)، رفعت و منزلت داشتن (۶۱۸۳)، بی نیازی از دیگران (۶۱۸۶)، حفظ موقعیت و جایگاه توسط خداوند (۶۱۷۶)، گستردگی رحمت الهی (۶۱۸۵) از ویژگیهای فرد عادل است. چهار زیرمؤلفه عدل شامل: فهم دقیق، علم عمیق، قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری می‌شود.

فهم دقیق (دقت در فهم): یکی از زیرمؤلفه‌های تربیت معنوی در مؤلفه عدالت فهم دقیق است. برای برقراری نظام عادلانه، شناخت نظام عادلانه لازم است و برای شناخت نظام عادلانه، قوه‌ای فهم صحیح و قابل اعتماد نیاز است. از این رو، امام (علیه السلام) مرحله اول مؤلفه عدالت را غَائِصِ الْفَهْمِ یعنی فهم نافذ معرفی می‌کنند. «غائص» از ماده غوص به معنای فرورفتن در آب است. (جبران، ۱۳۸۱) غواص کسی است که از سطح ظاهر آب می‌گذرد و در درون آب فرو می‌رود. براساس فرمایش حضرت برای این که بتوان رفتار را براساس عدالت تنظیم کرد تا ایمان و معنویت تقویت شود در درجه اول باید فهمی نافذ داشته باشید. با ابزار فهم و درک است که علم و دانش به دست می‌آید، لذا پندار و فهم واصل به مطلوب نخواهد بود؛ از فواید فهم، عدم نیازمندی است و بدفهمی و سوء فهم از آسیب‌های مهم علم است.

علم دقیق: امام (علیه السلام) با توجه به زیر مؤلفه اول بیان می‌کند که با رسیدن به این سطح از فهم می‌توان علم عمیق و ژرف را به دست آورد. اگر فهم نافذ وجود داشته باشد می‌توان به علمی عمیق و قابل اعتماد دست یافت. از علم با تعابیر زندگی راهنما (۶۸۲۵) گنج نجات بخشنده (۶۸۲۴ و ۶۸۲۶)، پناه انسان (۶۸۳۰) زیور (۶۸۳۲)، چراغ عقل (۶۸۳۷)، حجاب آفتها (۶۸۴۲)، ریشه هر کار خیر (۶۸۴۶)، تفریحگاه ادیبان (۶۸۵۲)، زیبایی و جمال (۶۸۶۳)، هدایت کننده به حقیقت (۶۸۶۷)، میراثی گرامی (۶۸۷۲) و نعمتی همگانی (۶۸۸۱)، همزاد ایمان (۶۸۷۱)، کسب کننده زندگی (۶۸۹۸)، شریف ترین شرافتها (۶۹۰۳) دوست مومن (۶۹۴۴) یاد شده است از این گونه علم، بعنوان علم نافع نام برده می‌شود. (دشتی، ۱۳۹۶، ۲۴۰)

قضاوت صحیح: زیر مؤلفه دیگر در مؤلفه عدالت از منظر امام (علیه السلام) زهره الحکم است. زهره به معنای زیبا و درخشان است (فیروز آبادی، ۱۴۲۶). و زهره الحکم در معنای دآوری نیکو کردن و قضاوت صحیح است. بهره مندی از فهم نافذ و علم عمیق لازمه ی قضاوت زیبا است. با کمک علم دقیق می‌توان، حکم مسائل جزئی را مشخص کرد. برای این کار به نوعی قضاوت نیاز است. قضاوت در واقع تطبیق قواعد کلی بر مورد خاص است. اگر فرد قواعد را درست درک کرده و فهم وی هم نافذ باشد،

می‌تواند قضاوتی صحیح داشته باشد که در تکامل خود و جامعه موثر واقع شود. انصاف در داوری (۶۱۴۷) ، عدالت در حکم (۶۱۴۷)، قضاوت به حق (۶۱۸۸ و ۶۱۴۴) ، اجتناب از ظلم (۶۱۴۷) و رعایت عدالت در میان خاص و عام (۶۱۸۸) را می‌توان از مصادیق داوری نیکو دانست. عادل‌ترین انسان‌ها ، افرادی هستند که بهتر قضاوت می‌کنند (۶۱۴۴). یکی از ویژگی‌های انسان معنوی و افراد والا مقام رسیدن به قضاوت نیکو و صحیح است. این حالات در سایه معنویت و تربیت معنوی کسب می‌شوند.

حلم و بردباری: یکی دیگر از زیر مؤلفه‌های عدالت مفهوم حلم است. انسان عادل فردی است که بردبار و حلیم است. رساخه الحلم به معنای استواربودن در شکیبایی است. مفهوم رساخه را «رسخ الشيء یرسخ رسوخاً ثبت فی موضعه و کل ثابت راسخ» (ابن منظور، ۱۴۱۴). واژه حلم نیز به «ضبط النفس عن هیجان الغضب» تعبیر شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) صفت حلم در مورد انسان از شریف‌ترین صفات بشری است که باعث رشد فرد به سوی کمال می‌شود. انسان می‌تواند بوسیله این صفت به سکون و آرامش دست یابد. امام علی (علیه السلام) حلم را فرو بردن خشم و به دست گرفتن زمام خویش می‌داند (۲۱۳۴) و انسان تربیت شده و معنوی، انسانی حلیم است. و این فرد چون آزار ببیند، صبر کند (۲۱۳۵)، و چون ستمی به او رسد بیامرزد و بگذرد (۲۱۳۵). در این منظر، بردباری نیکو، دلیل و نشانه علم بسیار است (۲۱۴۴). اهمیت بردباری تا بدان جاست که توصیه شده حتی اگر فرد دارای این صفت نیست تلاش کند خود را شبیه افراد بردبار درآورد تا در زمره آنان درآید (۲۱۳۲).

همچنین در مقایسه با خشم دستاوردهای مترتب بر بردباری نیکوتر است (۲۱۳۱). بردباری به عنوان، نوعی سلامتی (۸۵۷۳) زیور خلق و خوی انسانی (۲۱۰۵)، سرآغاز فضیلت و برتری (۲۱۰۶) ، میوه علم و دانش (۲۲۱۰۶)، نشانه کمال عقل (۲۱۱۷) ، سبب مسالمت و سازش (۲۱۲۰)، خاموش کننده آتش خشم (۲۱۲۳)، کسب حرمت و وقار (۲۱۲۴) بیان شده است. امام علی (علیه السلام) در یک نتیجه‌گیری حکیمانه، آثار هر یک از این زیر مؤلفه‌های چهارگانه عدالت را بیان می‌کند، می‌فرماید:

فَمَنْ فَهِمَ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ؛ وَمَنْ عِلْمَ غَوْرِ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحُكْمِ؛ وَمَنْ حَلَمَ لَمْ يَفْرَطْ فِي أَمْرِهِ
وَعَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيداً.

کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش آگاهی پیدا می‌کند و کسی که به عمق علم و دانش برسد از سرچشمه احکام، سیراب باز می‌گردد و آن کس که حلم و بردباری پیشه کند، گرفتار افراط و تفریط در امور خود نمی‌شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد.

۲-۴. تلاش و کوشش توأم با سختی:

یکی دیگر از مؤلفه های تربیت معنوی براساس دیدگاه امام علی (علیه السلام) تلاش و کوشش است. جهاد در لغت از ریشه «جهد و جهد» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است. اصل کلمه جهاد از «جهد» (به فتح جیم و ضم آن) است، و به معنای تلاش توأم با رنج و زحمت می باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). در واقع امام جهاد را به معنای وسیع کلمه تفسیر فرموده نه تنها جهاد نظامی، بلکه به تعبیر دیگر امام به هر چهار محور جهاد: جهاد با قلب، با زبان، با عمل و با اسلحه در میدان نبرد اشاره می کند. ایشان می فرماید: «نخستین مرحله از جهاد که در آن باز می مانید، جهاد با دستانتان، سپس جهاد با زبان و آن گاه جهاد با قلب هایتان است. پس کسی که معروفی را با قلب ستایش و منکری را انکار نکند، قلبش واژگون می گردد و بالای آن پایین و پایین قلب او، بالا قرار خواهد گرفت.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵)، بنابراین جهاد و تلاشی که ایمان و معنویت را حفظ و تقویت می کند چهار زیرمؤلفه دارد: امر به معروف و نهی از منکر، صداقت و پایداری در میدان عمل و دشمنی با فاسقان.

امر به معروف: یکی از زیرمؤلفه های اساسی تربیت معنوی در مؤلفه تلاش همراه با سختی، زیرمؤلفه امر به معروف است. مسلماً امر به معروف و نهی از منکر تنها با سلاح نیست، بلکه امر به معروف و نهی از منکر زبانی، قلبی و عملی است.

در نظر امیر المؤمنین، قوام و اساس جامعه سالم، در امر به معروف و نهی از منکر و بر پا داشتن حدود الهی است (۹۵۹۰). این فریضه بعنوان برترین عملها، نه تنها ضرر رساننده نیست، بلکه سود بخش نیز می باشد (۵۹۱). انسان معنوی فردی طرفدار نیک و پسندیده بوده، از امور و کارهای ناپسند، متنفر است. وی با امر به معروف، در واقع پشتوانه محکمی برای افراد به وجود می آورد (۵۸۶) این فرد می داند که چه موقع و براساس روش های مناسب (۵۸۳ و ۵۸۵) در انجام این امر اقدام کند. موارد یاد شده در کنار نگهداشت حدود الهی، ضامن سلامت دنیا و آخرت اند (۵۹۲).

نهی از منکر: یکی از زیرمؤلفه های تربیت معنوی نهی از منکر می باشد. انسان معنوی به دنبال اصلاح اکثریت مردم است، به حدی که اگر توانایی انکار آن را با دست و زبان نداشته باشد، با دل خود آن را انکار کند و خداوند نیز صداقت وی را در این کار مورد تایید قرار داده، بنابراین به وظیفه خود عمل کرده است (۱۰۰۱۲) در حقیقت او هدایت یافته، بر جاده حقیقی ایستاده و گام برداشته و نور یقین در دلش تابیده است (۱۰۰۱۱). انسان معنوی تعهدی را در درون خود احساس می کند که نسبت به منکر در هر صورت اقدام کند، زیرا عدم انجام این امر با مرده بودن افراد برابر است (۱۰۰۱۳).

صداقت و در پایداری معرکه نبرد: یکی دیگر از زیر مؤلفه های تربیت معنوی تلاش توأم با سختی، صداقت و پایداری در عمل است. انسانهای معنوی کسانی هستند که در میدان‌های مبارزه مقاومت و فداکاری می‌کنند. تعبیر «مواطن» ممکن است اشاره به میدان های نبرد باشد (فیروز آبادی، ۱۴۲۶) و ممکن است معنی گسترده ای داشته باشد که هرگونه مقابله با دشمنان را چه در میدان نبرد و چه در غیر آن شامل شود. الصَّدْقُ فِي الْمَوَاطِنِ، یعنی در موقعیت‌هایی که با خدا پیمان بسته‌اید و عهد کرده‌اید که تا پای جان فداکاری کنید بر سر پیمان خود بمانید و در عهد خود صادق باشید. صدق تنها راستی در گفتار نیست و شامل وفای به عهد هم می‌شود. مصداق قطعی صدق در موطن، وفاداری در پیمان جهاد است. بنابراین افرادی که دارای تربیت معنوی هستند، افرادی هستند که به عهد و پیمانشان وفادارند و امانت را رعایت می‌کنند. از نظر امام (علیه السلام) وفاداری توأم با امانت (۱۰۳۲۷) و برترین امانت داری (۱۰۳۲۹) است. این صفت، همزاد راستگویی (۱۰۳۲۰) و برترین راستگویی، نشانه صفای باطن (۱۰۳۲۲)، شیوه بزرگان (۱۰۳۲۱)، نشانه دین و قوت امانت (۱۰۳۲۵)، نشانه نجابت، زیور عقل (۱۰۳۲۶)، شریف ترین خصلتها (۱۰۳۲۳)، سبب الفت (۱۰۳۳۷)، از شاخصه های مهم دوستی (۱۰۳۴۱)، و نشانه بزرگواری (۱۰۳۵۴) است. و اگر کسی بتواند این ویژگی ها را در خودش تثبیت کند، می توان گفت که به درجات بالای تربیت معنوی رسیده است.

کینه و دشمنی با فاسقان: شنآن الفاسقین یعنی نوعی دشمنی که توأم با تندى باشد (فیروز آبادی، ۱۴۲۶) شنآن از واژگان قرآنی است: (وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَلَّا تَعْدِلُوْا) (مائده / ۸) وقتی بین اشخاص قضاوت می‌کنید رفتارشان باید عادلانه باشد. مبدا دشمنی شما با کسی موجب انحراف در قضاوت شود.

انسان معنوی در جامعه اسلامی نباید محبت خود را چنان توسعه دهد که علاوه بر خوبان جامعه، شامل هنجارشکنان و توطئه کنندگان هم بشود. در اسلام هم رأفت و هم غضب قرار داده شده است و هر کدام جایگاهی خاص دارند و باید به جای خود ظهور پیدا کنند. در دل اهل ایمان نسبت به اهل فسق و فجور دشمنی وجود دارد. اگر این دشمنی نباشد نه تنها در میدان جهاد، بلکه در انجام سایر وظایف هم موفق نخواهند بود.

انسان معنوی به طور فطری نسبت به فسق و گناه، تنفر دارد (۷۷۶۱) انسان معنوی هنگامی که حدی از حدود الهی شکسته شود (۱۵۱۰) یا مظلومی گرفتار ظالمی گردد انسان خشمگین شود و به دفاع برخیزد. دشمنی با کسانی که بی‌باکانه دستورات الهی را زیر پا می‌گذارند و به ارزش‌های اسلامی بهایی

نمی‌دهند. انسان معنوی، انسانی است که با کارهای نیک خود باعث استواری و پایداری مومنین می‌شود.

مؤلفه‌ها و خرده مؤلفه‌های تربیت معنوی در دیدگاه امام علی (ع)



تبیین مؤلفه‌های تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)



۳. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) بر چهار مؤلفه صبر، یقین، عدل و جهاد استوار است. صبر بر چهار زیر مؤلفه شوق، هراس، زهد و انتظار طبقه بندی شد. واژه صبر جامع تمام ارزش‌های اخلاقی است از آنجایی که هم در ماهیت صبر و هم در زیر مؤلفه‌های آن، حالت برانگیزانندگی و تلاش دیده می‌شود بنابراین صبر در تربیت معنوی، صبری فعال در نظر گرفته شده است. در این پژوهش صبر در محورهای ملاک، نوع، هدف، ابزار و راهبرد دسته بندی و تبیین گردید. یقین بر چهار زیر مؤلفه بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار و

پیمودن راه درست پیشینیان طبقه بندی شد یقین در کلام امام (علیه السلام) فعالیتی تلاش گریانه، از بین برنده شک، نور و روشنایی، کنترل کننده دل‌ها، عامل نجات، ستون و تکیه‌گاه معنویت و اساس بردباری می‌باشد.

عدل بر چهار زیر مؤلفه؛ فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی طبقه بندی شده است. در نظر امام علی (علیه السلام) عدالت قرار دادن هر امری در موضعش است که باعث قوام و اساس زندگی مردم، نظم دهنده جامعه و زیاد شدن برکت می‌باشد. نهایت عدالت، رفتار عادلانه با خویشتن است. حوزه عدالت در تربیت معنوی، شامل احقاق حقوق، اصلاح امور، اجرای حدود، انصاف، تقوا، رسیدگی به مردم، مبارزه با ستم و مساوات می‌شود. جهاد بر چهار زیر مؤلفه امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال و دشمنی با فاسقان طبقه بندی شده است. براساس یافته‌های این پژوهش جهاد به معنای قلبی، زبانی، عملی، درمیدان نبرد و در عرصه‌های مختلف، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تبیین شده است.

نکته مهم و قابل توجه و البته متفاوت با تربیت‌های معنوی موجود، نگاه بنیادی توحیدی در منظر امام (علیه السلام) است. چنانچه ذیل همه مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها این نگاه بوضوح دیده می‌شود. بعنوان نمونه برای مؤلفه صبر به سرآغاز یاری خداوند و در مسیر اطاعت خدا بودن تاکید شده، در مؤلفه یقین به اساس دین، قوت و نیرومندی دین توجه گردیده، در مؤلفه عدل حفظ موقعیت و جایگاه توسط خداوند و گستردگی رحمت الهی از ویژگی‌های فرد عادل شمرده شده و ذیل مؤلفه جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قوام و اساس جامعه سالم و بر پا داشتن حدود الهی یاد شده است. بنابراین غایت تربیت معنوی رسیدن به تربیت دینی موحدانه می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش با نتایج بست (۲۰۱۴) که در رویکرد دینی به معنویت بر معنا و هدفمندی تاکید دارد و با یافته‌های راستر (۲۰۱۴) که معنویت را شامل قلمرو وسیع معانی فرهنگی، فردی، متعالی، دینی، اخلاق و زیبایی شناسی می‌داند، و با یافته‌های کریک و جلفز (۲۰۱۱) که عامل معنویت را در تمام سطوح زندگی موثر می‌داند، همخوان است. همچنین با یافته‌های امرام (۲۰۰۹) که بر مؤلفه‌های هشیاری، متانت، معناداری، تعالی، صداقت و خرده مؤلفه‌های هدفمندی، تولید معنا، پایداری، فراتر رفتن از خود تاکید دارد و با یافته‌های بلنگسترین و هانسون (۲۰۰۸) که بر مؤلفه‌های قصدمندی، توجه، یکپارچگی، حق شناسی، کل گرایی، گشودگی و صداقت تاکید دارد و با یافته‌های سیندی و یگلزورث (۲۰۰۴) که شامل مؤلفه‌های خودآگاهی برتر، خود والا تر و پیشگاه معنوی و خرده مؤلفه‌های

تعهد، پایداری در اعتقادات، آرامش می شود، همخوان است. همچنین با یافته های تسی (۲۰۰۳) در مؤلفه شور و شوق و گرایش انسان برای عدالت خواهی و انصاف، احساس نیک بودن، آگاهی درونی، تجربه ذهنی مقدس، تعالی فرد به سوی ظرفیت والا، و یافته های مک گیور (۲۰۰۱) در خرده مؤلفه های آگاهی و ترحم و با یافته های زوهر و مارشال (۲۰۰۰) که بر صبر و مقاومت در برابر مسائل و راه حل های منطقی و انسانی برای راه حل آنها، تاکید می کنند، و با یافته های ایمونز (۲۰۰۰)، که شامل مؤلفه های ظرفیت تعالی، آگاهی، توانایی پیرایش عمل، حوادث و روابط زندگی روزانه همراه با احساس تقدس، توانایی استفاده از منابع معنوی برای حل مسائل و توانایی رفتار فضیلت مند، می شود و با یافته های زوهر و مارشال (۲۰۰۰) شامل مؤلفه های خود آگاهی، انعطاف پذیر بودن، خدمت، پرورش، دانش، تغییر می شود، و با یافته های فریدمن و مک دونالد (۱۹۹۹) شامل مؤلفه های تمرکز داشتن بر معنای نهایی، توجه به سطوح چندگانه آگاهی و رشد آنها، اعتقاد به مقدس بودن زندگی، فراتر رفتن از خود می باشد، همخوان است. با وجود همخوانی این پژوهش با مؤلفه ها و خرده مؤلفه های مذکور فوق، تفاوت بنیادین موجود، در ساخت تربیت معنوی دینی و غیر دینی است. تمام مؤلفه های مورد نظر امام در قالب تربیت دینی و در پرتو نگاه توحیدی تبیین می شود.



منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، شریف الرضی محمد بن حسین علیه السلام، ۱۳۷۹ ش، مترجم: محمد دشتی، قم: مشهور.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۷۸ ش، *غررالحکم و دررالکلم*، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۲. -----، ۱۳۸۴ ق، شرح غررالحکم و دررالکلم، مصحح: سید جلال‌الدین محدث، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
 ۳. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ ق، *شرح نهج البلاغه*. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۴. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۰ ق، *لسان العرب*، ج ۲، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.
 ۵. جبران، مسعود، ۱۳۸۱ ش، *فرهنگ الفبایی الراءد*، مترجم: رضا انزابی نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
 ۶. دشتی، محمد، ۱۳۹۶ ش، *امام علی علیه السلام و مباحث تربیتی*، قم: موسسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
 ۷. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالقلم.
 ۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۳ ش، *تفسیر المیزان*، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، جلد دوم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
 ۹. فیروز آبادی، مجد‌الدین محمد بن یعقوب، ۱۴۲۶ ق، *القاموس المحيط*، تحقیق: محمد نعیم عرقسوسی، چاپ هشتم، دمشق: مؤسسه الرسالة.
 ۱۰. فیض الاسلام، سید علی نقی، ۱۳۸۹ ش، *ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علیه السلام تهران: انتشارات فقیه*.
 ۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴ ش، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: صدرا.
 ۱۲. معلوف، لوئیس، ۱۳۸۴ ش، *المنجد*، مترجم: محمد بندرریگی، چاپ اول، تهران: بی جا.
 ۱۳. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، *فرهنگ معین* (یک جلدی)، چاپ سوم، تهران: زرین.



۱۴. ملکی، حسن، ۱۳۹۶ش، *هویت دینی برنامه درسی، جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی*، تهران: آبیژ.
۱۵. نصر، سید حسین، ۱۳۸۶ش، *دین و نظام طبیعت* (مجموعه سخنرانی‌های ادوارد کدبری در دانشگاه بیرمنگام ۱۹۹۴)، مترجم: محمد حسن فغفوری، تهران: حکمت.
۱۶. نقیب زاده، میر عبدالحسین، ۱۳۹۳ش، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: طهوری.
۱۷. گنون، رنه، ۱۳۸۴ش، *سیطره کمیت و علائم آخر زمان*، مترجم: علیمحمد کاردان، چاپ سوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مقالات

۱۸. سلحشوری، احمد، ۱۳۹۰ش، *حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، تابستان، دوره دوم، شماره دو پیاپی (۶)، ۵۶-۴۱.
۱۹. سلحشوری، احمد. طارسی خنکدار، معصومه، ۱۳۹۲ش، *چالش‌ها و افق‌های نظریه پیچیدگی برای تربیت دینی، فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۴، زمستان، ۱۳۹-۱۱۷.
20. -Alan M. Blankstein, Paul D. Houston, (2008) *The Soul of Educational Leadership*, Corwin Press
21. -Best, R. (2014). *Spirituality, faith and education : Some reflections from a UK perspective*. In J. Watson, M. de. Souza & A. Trousdale (Eds.), *Global perspectives on spirituality and education*, (pp. 5-20). New York : Routledge.
22. -Carr, D. (2002) 'Metaphysics, reductivism and spiritual discourse', *Zygon* 37, 2:491- 509.
23. -Crick, R. D. & H. Jelfs (2011). *Spirituality, learning and personalization: exploring the relationship between spiritual development and learning to learning faith-based secondary school*. *International Journal of children's spirituality*, 16(3), 197-217
24. -Dorr, D. (1984). *Spirituality and justice*. Dublin : Gill and MacMillan.



25. -Hood, R. W. Jr. & Williamson, P. W. (2008). *Them that believe: The power and meaning of the Christian serpent—handling tradition*. Berkeley, CA: University of California Press.
26. -HAND ,MICHAEL(2017). The Meaning of 'Spiritual Education'. *Oxford Review of Education*, Vol. 29, No. 3, September
27. -Hood, R.W. Jr. (2003). Spirituality and religion. In A. L. Greil & D. Bromley (Eds.), *Religion and the social order: Vol. 10. Religion: Critical approaches to drawing boundaries between sacred and secular*. New York: Elsevier.
28. - Jones , Laura(2005). What Does Spirituality in Education Mean? Stumbling Toward Wholeness. *Journal of College & Character*. VOLUME VI, NO. 7
29. -Iannaccone, L., & Klick, J. (2003). *Spiritual capital: An introduction and literature review*. GeorgeMason University and American Enterprise Institute.
30. McDonald, D., Kuentzel, J., & Friedman, H. (1999). A survey of measures of spiritual and transpersonal constructs : Part two—additional instruments. *The Journal of Transpersonal Psychology*, 31(2), 155-177.
31. -Rossiter, G. (2014a). Historical perspective on spiritual education in Australian schools. Part II: A personal development basis. *Journal of Christian Education*, 54(3), 15-27.
32. -Saunders, SM. (2018). Introduction to the special issue on spirituality and psychotherapy. *Journal of cline psychol*.63-90-97
33. -Zohar, D., & Marshall, I. (2000). *SI: Spiritual Intelligence, the Ultimate Intelligence*. London: Bloomsburg.
34. -West-Burnham, J. and V. Huws-Jones. (2007). *Spiritual and Moral Development in Schools*. London: Continuum

35. -Yob, I. (2018). Images of spirituality : Traditional and contemporary. In D. Carr & J. Haldane (Eds.), Spirituality, philosophy and education (pp. 112-126). London : RoutledgeFalmer.

تبیین مؤلفه های تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)



